

در گفت‌وگو با مدیر گروه تاریخ اسلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم بررسی شد

اخلاق حکمرانی در سیره علوی

۲

به مناسبت سیزدهم رجب و ولادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) سری به موزه‌های آستان قدس زده‌ایم

عطر و بوی «مولود کعبه» در گنجینه رضوی

موزه‌های آستان قدس رضوی که به عنوان یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های جهان اسلام مطرح است دارای آثار ارزشمند و گرانبدری است. در گفت‌وگو با «مهدی قیصری نیک» معاون موزه‌ها و میراث فرهنگی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی به معرفی برخی از آثار موزه‌ای با محوریت حضرت علی بن ابیطالب(ع) پرداخته‌ایم. در گنجینه رضوی، مجموعه نفیسی از قرآن‌های خطی منسوب به دستخط ائمه اطهار(ع) به خط کوفی و روی پوست با ...



حکایت حاجت گرفتن امیر سامانی از حضرت ثامن‌الحجج (علیه السلام) در هزار و ۱۰۰ سال پیش

از کریمان، از چه رو کم خواستی؟

از انجام کارها، به محل اقامتش رفت و سر سفره نشست و گروهی از امرای لشکرش هم با او سر سفره بودند. حَمّویه به غلامش گفت: آن مرد کجاست؟ غلام گفت: در اتاق مجاور انتظار دیدار شما را می‌کشد. حَمّویه گفت: او را نزد من بیاور. مرد را آوردند و به دستور سپهسالار لشکر سامانی، غذاهای گوناگون مقابلش گذاشتند و او به خوردن مشغول شد. چون از خوردن فراغت یافت، حَمّویه به مرد گفت: آیا استر یا اسبی داری که سوار شوی؟ مرد گفت: نه! ندارم. حَمّویه پرسید: پول داری؟ مرد پاسخ داد: خیر! سپهسالار خراسان دستور داد به او هزار درهم و اسبی دادند و روانه‌اش کردند؛ آن گاه رو به حاضران کرد و گفت: می‌دانید حکایت این مرد چیست؟ در جوانی به زیارت رضا(ع) رفتم در حالی که لباس‌های کهنه و پاره بر تنم بود و چیزی برای خوردن نداشتم. این مرد را آنجا دیدم. در کنار مرقد رضا(ع) از خدا خواستم

را دید که به زیارت می‌آیند و می‌روند و حاجت خود را به محضر امام رضا(ع) عرضه می‌کنند و از خداوند، برآورده شدن آن‌ها را می‌طلبند. در این وقت دل حَمّویه به سختی شکست و اشکش جاری شد؛ آن گاه زبان به عرض حال گشود و از امام مهربانی‌ها حاجت خواست و برای این حاجت نذر کرد؛ حاجت حَمّویه دست یافتن به امارت خراسان و سپهسالاری این خطه بود. او این حاجت را بر زبان آورد و مردی که در کنارش نشسته بود، آن را شنید و بلافاصله زبان به تمسخر حَمّویه گشود که با آن حال زار و لباس‌های پاره، چه حاجت عجیبی را درخواست می‌کند! اما حَمّویه معتقد بود «با کریمان کارها دشوار نیست». سال‌ها گذشت و حَمّویه که در سپاه سامانی به عنوان سرباز استخدام شده بود، با نشان دادن لیاقت و درایت خود، به تدریج مدارج ترقی را طی کرد و در دوران نصر بن احمد سامانی به مقام سپهسالاری خراسان رسید، اما

محمدحسین نیکبخت | خراسان در دوره سامانی یعنی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری در اوج قدرت و اعتلای فرهنگی و سیاسی به سر می‌برد. امرای سامانی توانسته بودند ارتباط با خلیفه عباسی را به حداقل برسانند و تقریباً به صورت مستقل در این منطقه حکمرانی کنند. دوره حکومت سامانیان، دوران شکوفایی همه‌جانبه در خطه خراسان بود. شهر مشهد در همین دوره شاهد توجه برخی امرای صاحب‌نام وابسته به دودمان سامانی بود؛ مثلاً ابومنصور، محمد بن عبدالرزاق طوسی یکی از این امرای نام‌آشناست که در رونق مشهد نقش مهمی داشت و برای آسودگی زائران حرم مطهر رضوی، اقدام‌های فراوانی انجام داد. نام ابومنصور البته برای بسیاری از شما خوانندگان عزیز که علاقه‌مند به شناخت تاریخ مشهد و حرم رضوی هستید، آشناست، اما شاید نام حَمّویه بن علی را تا به حال نشنیده باشید؛ سرداری که معتقد بود عزت و شرافت خود را به واسطه کرامت و لطف حضرت امام رضا(ع) بدست آورده است؛ سرداری قدرتمند که حکایت شگفت‌انگیز او در متون تاریخی و مذهبی از جمله «عیون اخبارالرضا(ع)»، اثر ارزشمند شیخ صدوق و «روضةالصفاء» اثر میرخواند وارد شده و در میان اهالی تاریخ از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است. در رواق امروز با هم این حکایت شگفت‌انگیز را که حدود هزار و ۱۰۰ سال پیش اتفاق افتاده است، مرور می‌کنیم.

■ **حاجت خواستن از غریب طوس**
حَمّویه اصالتاً از اهالی اسفراین بود و ادعا داشت از نسل انوشیروان است؛ هر چند برای این ادعا، دلیل و سندی نداشت. از زمان ولادت وی، اطلاع دقیقی نداریم، اما از آنجا که برای نخستین بار نام وی در یک واقعه تاریخی مربوط به سال ۲۷۲ق / ۲۶۴ش وارد شده و این‌اثیر در «الکامل» به آن اشاره کرده است و احتمالاً حَمّویه در این سال تقریباً ۳۵ سال داشته، باید حدود ولادت وی را سال ۲۳۰ش/۲۳۷ق بدانیم. یعنی حَمّویه در حدود ۳۴ سال پس از شهادت امام رضا(ع) به دنیا آمده و آنچه برای او رخ داده است، در نخستین سال‌های شکل گرفتن حرم مطهر رضوی اتفاق افتاده. بگذریم؛ حَمّویه کودکی و جوانی سختی داشت و چنان که خود او روایت می‌کند، از فرط فقر و ناداری، شهر به شهر و روستا به روستا، در پی کاری می‌گشت تا شکمش را سیر کند. با این حال، فردی بلندهمت بود و می‌کوشید با تلاش و کوشش از شرایط ناگواری که در آن گرفتار شده بود، رهایی یابد. در یکی از روزهای سال ۲۵۰ش، حَمّویه خسته و کوفته به مشهدالرضا(ع) رسید؛ بسیار گرسنه بود و از آن بدتر، ناامید. خودش را به روضه منوره امام رضا(ع) رساند تا دمی در کنار مرقد مطهر فرزند رسول خدا(ص) بنشیند و با خودش خلوت کند. در این حال، مردمانی



ویژه‌فرهنگ‌و معارف‌رضوی

| سال اول | ویژه‌نامه ۲۷۶ |

موعظه /آیت‌الله جوادی آملی

اگر به بیراهه برویم
علی (علیه السلام) برای ما
غصه می‌خورد

۲



از طرف سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی انجام شد

اهدای ۵۵ هزار جلد کتاب
به نهادهای فرهنگی کشور

۴

بانوی ۶۳ ساله در سه سال
حافظ کل قرآن کریم شد

۳

در یکصدو شانزدهمین سه‌شنبه‌های علمی فرهنگی انجام می‌شود
رونمایی از نسخه خطی ۸۷۹ ساله

۴

کتاب «امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کلام
امام صادق (علیه السلام)» منتشر شد

۲

خبر

ویژه‌برنامه‌های میلاد امام علی (علیه السلام)
در حرم مطهر رضوی



همزمان با فرارسیدن ۱۳رجب، سالروز میلاد باسعادت مولی‌الموحدين حضرت علی(ع) ویژه‌برنامه‌های متعددی از سوی معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی در بارگاه نورانی ثامن‌الحجج(ع) تدارک دیده شده است. به گزارش آستان‌نیوز، به همین مناسبت همزمان با شب میلاد سراسر نور حضرت علی(ع) پس از اقامه نماز مغرب و عشا، طنین خوش آهنگ نقاره‌های حرم مطهر امام رضا(ع) نواخته شده و تولد مولود کعبه و عید بزرگ مسلمانان را بشارت می‌دهند. پس از آن ویژه‌برنامه‌ای در رواق امام خمینی(ره) از ساعت ۱۸ با قرائت زیارت امین‌الله توسط مهدی سروری؛ مداح و ذاکر اهل بیت عصمت و طهارت(ع) آغاز می‌شود و در ادامه جواد غفورزاده؛ شاعر آیینی کشورمان در وصف حضرت علی(ع) به شعرخوانی می‌پردازد. پس از بهره‌مندی از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی میرباقری، گروه همخوانی فدک‌الزهرا به اجرای سرود پرداخته و مدیحه‌سرایی سیدمحسن گرسویی پایان‌بخش این مراسم است.

■ **ویژه‌برنامه‌های روز میلاد**

همزمان با ظهر میلاد نخستین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، حضرت علی(ع) نیز مراسم جشنی از ساعت ۹:۳۰ در رواق امام خمینی(ره) برگزار می‌شود. در این مراسم ضمن قرائت آیاتی چند از کلام‌الله مجید، مداحان و ذاکران اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به مدیحه‌سرایی پرداخته و اجرای سرود و همخوانی، شعرخوانی حسین مؤذّب، شاعر آیینی کشورمان و سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری از دیگر برنامه‌های این مراسم است.

■ **برگزاری جشن شام میلاد**

ویژه‌برنامه شام میلاد نیز پس از اقامه نماز مغرب و عشا از ساعت ۱۸:۱۰ با قرائت زیارت امین‌الله آغاز شده و با شعرخوانی آیینی، اجرای همخوانی گروه سرود گلدسته‌های حرم، قرائت دعای توسل و مولودی‌خوانی ادامه خواهد یافت؛ سخنران این مراسم نیز حجت‌الاسلام والمسلمین شهاب مرادی است.

منبرمجازی

... این قوم خداوندانند



حجت‌الاسلام رنجبر | حافظ می‌گوید:

«چشم من آینه گردان خداست» ... یعنی چشم من فقط به خداست و من فقط خدا را می‌بینم و غلامی او را می‌کنم. یعنی اگر چشم من روشن است، چون او در من نظر کرده است «المؤمن ینظر بنورالله»، ولی یادتان باشد فقط چشمان من این طور نیست؛ جلوه‌گاه رخ او، دیده من تنها نیست / ماه و خورشید همین آئینه می‌گردانند... می‌دانید ماه چرا روشن است؟ چون خدا در آن نظر کرده است. نور خداست که در خورشید افتاده است. یعنی اگر خدا به کسی نگاه کند، خورشید می‌شود... عهد ما با لب شیرین‌دهنان بست خدا... حافظ می‌گوید حالا تو اگر از من بررسی چه شد که تو فقط به خوبی‌ها نگاه می‌کنی؟ مثل زنبور عسل که وقتی وارد باغ گل می‌شود دنبال گل‌های معطر می‌گردد، اگر بررسی‌د چرا من از این عاقلان نشدم و از عاشقان شدم؟ پاسخ این است: چون عهد ما را خدا با «شیرین‌دهنان» بست. شیرین‌دهنان، کلامشان و سخنانشان شیرین بود، گوش من به دهان این‌ها بود. رابطه من با این‌ها را خدا ایجاد کرده است. این گره بین من و این‌ها را خدا بست. این توفیق را خدا داد.

این «شیرین‌دهنان» چه کسانی هستند؟ می‌بینید جز اهل بیت(ع)، هیچ کس دیگری نیست. من هر چه دارم از ارتباط با این‌هاست.

در یک جمله می‌گوید: «ما همه بنده و این قوم خداوندانند». انسان از کسی چیزی یاد بگیرد، بنده او می‌شود. امیرالمؤمنان(ع) می‌فرماید: «انا عبد من عبید محمد(ص)» من بنده و غلام او هستم. ما همه، بنده و غلامیم. این قوم و این جماعت، خداوندانند. خداوند، غیر از خداست. خدا، همان «الله» است. خداوند به معنای صاحب و ارباب است. یعنی آقا و بزرگ است، یعنی ما بنده و غلامیم؛ این‌ها اربانند.

یک معرفت -ولو مختصر - نسبت به ارباب‌های خودمان داشته باشیم. غلام باید ارباب خودش را بشناسد. باید آقای خودش را بشناسد، کمترین خاصیتش این است که اگر من ارباب خودم را بشناسم، دیگران را به اربابی نمی‌شناسم و غلامی دیگران را نمی‌کنم و دیگر برابر هر کسی سر خم نمی‌کنم.

به کوی میکده هر سالکی که ره دانست/ در دگر زدن، اندیشه تپه دانست